

## چکیده:

بلوچستان در اواخر دوره قاجار و اوایل دوره پهلوی به علت اهمیت سوق الجیشی که برای دولتهای غربی داشت، در پی سیاستهای دولت مدرن، مورد توجه حکومت مرکزی قرار گرفت. در این میان ناحیه سرحد، به عنوان بارانداز تجاری منطقه از اهمیت خاصی برخوردار شد. ساختار قبیله ای و عشیره ای و سردار محوری از ویژگی های عمده این منطقه بود، از عمده ترین طوایف این منطقه می توان به طایفه های اسماعیل زهی، یاراحمد زهی، ریگی، گمشادزهی، نارویی و گرگیج اشاره کرد که در اتفاقات سیاسی، اجتماعی منطقه تاثیرات قابل توجهی بر جای گذاشته اند. موقعیت استراتژیک منطقه، حضور دولتهای غربی، و پا گرفتن شهر جدید زاهدان، فرهنگ بلوچستان را در کنار فرهنگ های مختلفی قرار داد. با روی کار آمدن دولت مدرن و تاسیس مدارس فراوان به جمعیت تحصیلکردگان اقوام مختلف در منطقه افزوده شد، اما حضور دولت مدرن در سرحد باعث همدلی دولت و مردم نشد، بلکه شکاف فرهنگی، اجتماعی عمیقی که بین حکومت و مردم این منطقه بود، نمایانتر شد. روح سنتی و مذهبی و تعصبات قومی مردم منطقه اجازه نمی داد که اصلاحات رضا خانی به طور کامل انجام شود، نمونه بارز آن را می توان در یانگیری جمعه خان اسماعیل زهی بر سر بی حجابی همسر رضا شاه و تعرض به حجاب دو بانوی بلوچ سرحدی یافت. نظام سردار - طایفه ای مقتدر هیچگاه به اندک تحصیلکردگان اقوام، مجال خود نمائی ننمود و با وجود تاسیس شعبه های مختلف احزاب در منطقه، کماکان مسائل ایلات و حکومت با سیستم سردار - طایفه ای حل و فصل می شد. در سالهای بعد از ۱۳۴۲، ساخت مدارس، سینماها و مراکز فرهنگی، هنری در منطقه بیشتر شد، کودکان بلوچ به مدرسه رفتند و اولین گروههای تحصیلکرده در سرحد به عنوان معلم در کلاسهای درس حاضر شدند، اما اینهمه آنقدر نبود که باعث شود مردم دید کاملاً مثبتی نسبت به حکومت داشته باشند، دلیل آن حفظ لباس، زبان، آداب و رسوم سنتی و فرهنگ بلوچ بطور کامل و تا به امروز می باشد. این رویکرد ناشی از آن بود که نتیجه عکس روند ملی گرائی به علت تبعیض ها و فشارها تبدیل به قوم گرائی شده بود و این شکل خاصی از اقلیت گرائی را بوجود آورده بود که برای حفظ و بقای ماهیت وجودی خویش، با تعصب و دادن هزینه های فراوان سعی در حفظ خرده فرهنگها و سنت های خویش داشت تا از آن طریق زنده تر و بیشتر باقی بماند.

کلید واژه: رضا خان - دولت مدرن - انگلستان - سرحد بلوچستان - نبرد گورستانی -

جمعه خان اسماعیل زهی



۱

بخش اول:

کلیات تحقیق

۲

۱- مقدمه

۲

۲- بیان مساله و موضوع پژوهش

۳

۳- پیشینه پژوهش و انتخاب موضوع

۳

۴- قلمرو و محدوده پژوهش

۳-۴

۵- مشکلات و محدودیت های پژوهش

۴

۶- روش کار در پژوهش

۴-۵

۷- طرح کار

۵-۹

۸- معرفی چند منبع

فصل اول :

۱۰-۱۲

۱-۱-۱- موقعیت جغرافیایی منطقه سرحد

۱۲-۱۳

۱-۱-۲- رود های سرحد

۱۳-۱۴

۱-۱-۳- کوه های سرحد

فصل دوم :

۱۵

۱-۲-۱- پراکندگی ایلات در سرحد

۱۵-۱۷

۲-۲-۱- خاش

۱۷-۱۹

۳-۲-۱- زاهدان

۱۹-۲۱

۴-۲-۱- میرجاوه

۲۱-۲۲

۵-۲-۱- نصرت آباد و سفیدآبه

فصل سوم :

۲۳	۱-۳-۱- جغرافیای انسانی منطقه سرحد
۲۳-۲۷	۱-۳-۲- نژاد، مذهب، زبان
۲۷-۲۸	۱-۳-۳- جمعیت و پراکندگی آن
۲۹-۳۱	۱-۳-۴- نوع معیشت در قدیم و دوران معاصر
۳۲	بخش دوم:

### فصل اول

۳۳-۴۰	۲-۱-۱- تاریخ بلوچستان پیش از دوره ی پهلوی
-------	---

### فصل دوم

۴۰	۲-۲-۱- تاریخچه مختصر ایلات سرحد
۴۰-۵۳	۲-۲-۱-۱- شه بخش (اسماعیل زهی )
۵۴-۵۶	۲-۲-۱-۲- شهنوازی ( یار احمد زهی )
۵۶-۵۹	۲-۲-۱-۳- ریگی
۵۹-۶۱	۲-۲-۱-۴- گرگیچ
۶۱-۶۳	۲-۲-۱-۵- کرد
۶۳-۶۵	۲-۲-۱-۶- گمشادزهی
۶۵-۶۸	۲-۲-۱-۷- ناروئی

### فصل سوم

۶۸-۸۰	۲-۳-۱- مقایسه اقتصاد مکران و منطقه سرحد
-------	---

۸۱	بخش سوم
----	---------

### فصل اول

۸۲	۳-۱-۱- صورت بندی روابط حکومت با مردم سرحد
۸۳-۸۹	۳-۱-۱- احزاب فعال در منطقه سرحد
۸۹-۹۱	۳-۱-۱-۲- نقش روحانیون بلوچ در منطقه سرحد
۹۱-۱۰۴	۳-۱-۱-۳- افراد و گروههای مؤثر در منطقه سرحد و رابطه ی آنها با حکومت

### فصل دوم

۱۰۴-۱۰۶ ۱-۲-۳- نقش اقوام در شکل گیری ساختارهای اجتماعی و هویت ملی در عصر پهلوی

۱۰۶-۱۱۴ ۱-۲-۲-۳- ایجاد مدارس در منطقه سرحد

۱۱۵-۱۱۸ ۲-۲-۲-۳- وضعیت و نقش زنان در منطقه سرحد

۱۱۸-۱۱۹ ۳-۲-۲-۳- ایجاد رادیو بلوچی

### فصل سوم

۱۲۰ ۱-۳-۳- نقش اقوام در تقویت هنر سنتی

۱۲۰-۱۲۵ ۲-۱-۳-۳- شعر سرحدی

۱۲۶-۱۲۷ ۳-۱-۳-۳- موسیقی سرحد

۱۲۷-۱۲۹ ۴-۱-۳-۳- صنایع دستی سرحد

### فصل چهارم

۱۳۰-۱۳۳ ۱-۴-۳- مشکلات و موانع رشد و توسعه

۱۳۴-۱۳۶ نتیجه گیری

۱۳۷-۱۴۴ منابع و ماخذ

۱۴۵-۲۱۳ اسناد و ضمیمه

بخش اول :

کلیات تحقیق :

۱- مقدمه

۲- بیان مساله و موضوع پژوهش

۳- پیشینه و انتخاب موضوع

۴- قلمرو و محدوده پژوهش

۵- مشکلات و محدودیت های پژوهش

۶- روش کار در پژوهش

۷- طرح کار

۸- معرفی چند منبع

فصل اول : موقعیت جغرافیایی منطقه سرحد ، رود های سرحد ، کوه های سرحد

۱-۱-۱- موقعیت جغرافیایی منطقه سرحد

۱-۱-۲- رود های سرحد

۱-۱-۳- کوه های سرحد

فصل دوم : پراکندگی ایلات در سرحد ، خاش ، زاهدان ، میرجاوه ، نصرت آباد و سفیدآبه

۱-۲-۱- پراکندگی ایلات در سرحد

۱-۲-۲- خاش

۱-۲-۳- زاهدان

۱-۲-۴- میرجاوه

۱-۲-۵- نصرت آباد و سفیدآبه

فصل سوم : جغرافیای انسانی منطقه سرحد ، نژاد، مذهب، زبان ، جمعیت و پراکندگی آن ،

نوع معیشت در قدیم ودوران معاصر

۱-۳-۱- جغرافیای انسانی منطقه سرحد

۱-۳-۲- نژاد، مذهب، زبان

۱-۳-۳- جمعیت و پراکندگی آن

۱-۳-۴- نوع معیشت در قدیم ودوران معاصر

## کلیات تحقیق :

### مقدمه

عموما تاریخ عرصه ی تاخت و تاز پادشاهان ، حکومتها و سیاستمداران بوده است .... و از جمعیت عظیم مردم به جز پیاده نظام صرف ، نامی نبرده است . در این نوشتار ، سعی شده است با تحقیق درباره ی، اندیشه ها ، دغدغه ها ، کمبودها و مشکلات مردم در منطقه ی سرحد ، به تأثیر و تأثراتی که ایلات این منطقه و حکومت پهلوی از هم گرفته اند، پرداخته و از زاویه ای دیگر به تاریخ حوادث سیاسی ، اجتماعی ، فرهنگی و اقتصادی این منطقه نگریسته شود ، تا پاسخ به این سوال که جایگاه این نظام پیاده ( مردم سرحد) در ساختارهای حکومتی دوره ی پهلوی ، به چه شکل بوده و در کجا قرار داشته است، حداقل برای شخص نگارنده مشخص شود . بررسی واکنش های مردم منطقه نسبت به تغییرات و اعمال انجام شده توسط حکومت پهلوی می تواند، قسمت عمده ای از شناخت علاقه مندان به موضوعاتی از این دست را کامل کند و شاید جرقه و تلنگری باشد ، جهت ایجاد علاقه مندی و تحقیق بیشتر و کاملتر در این زمینه....

### ۱ - بیان مسئله و موضوع پژوهش:

دوره ی پهلوی در تاریخ معاصر ایران ، از اهمیت بسزایی برخوردار است . تحولات و اتفاقات این دوره و در حکومت مرکزی ، تأثیر فراوانی بر حاشیه ها و مناطق مختلف کشور بر جای گذاشت . بلوچستان و به تبع آن ، منطقه سرحد که موضوع این تحقیق می باشد ، نیز از این قاعده مستثنی نبوده است. در این نوشتار قصد بر اینست تا به بررسی وضعیت و تأثیرات ایلات سرحد در دوره ی پهلوی و در منطقه پرداخته شود و به پرسشهایی نظیر آنچه در ذیل آمده است ، در حد امکان پاسخ داده شود .

۱- آیا اقدامات ایلات منطقه سرحد بلوچستان ، قبل از رضا شاه و بعد از آن بر همسایگان نواحی داخلی ایران ( جنوب خراسان و کرمان تأثیر گذاشته است؟

۲- آیا بین سیاستهای نظامی ، امنیتی حکومت پهلوی و نافرمانی بعضی از ایلات سرحد بلوچستان رابطه ای وجود دارد؟

۳- آیا مذهب در واکنش ایلات سرحد بلوچستان نسبت به سیاست های رضا شاه مبنی بر کشف حجاب ، یکسان نمودن لباس و بر سر گذاشتن کلاه پهلوی نقش داشته است؟

۴- بحث یاغیگری در سرحد چه اثراتی داشته است ؟

۵- نقش روشنفکران در تعاملات این طوایف با حکومت چگونه ارزیابی می شود؟

## ۲- پیشینه و انگیزه انتخاب این موضوع

بررسی مسائل بلوچستان ، موضوع چندین پایان نامه در گروه تاریخ دانشگاه سهندستان و بلوچستان بوده که هر کدام گوشه هایی از تاریخ این سرزمین را مورد بررسی قرار داده و اطلاعات ارزشمندی ، به دست داده اند . از آن جمله می توان به ( ریگی درخشان ، مدافعان سرحد ۱۳۸۶ ) ( درازی ، مسائل کلات ۱۳۸۷ ) و ( نادریان فر ، بلوچستان در دوره رضا شاه ۱۳۸۴ ) ، اشاره کرد، و همچنین برخی از فارغ التحصیلان کارشناسی ارشد نظیر عبدالودود سپاهی تاریخ بلوچستان عصر قاجار را مورد بررسی قرار داده و کارهای دیگری که همچنان در دست انجام است ، علاوه بر این ، خاطراتی چون خاطرات دایر و دیگر صاحب منصبان خارجی در این خصوص ، منتشر شده است ، اما تلاش بر آن است که علاوه بر استناد به منابع و تحقیقات موجود ، تاریخ شفاهی سرحد بلوچستان را مورد و موضوع مطالعه قرار داده و منابع و روایات دسته اول و افرادی را که مستقیماً در صفحه حوادث حضور داشتند ، تدوین شده تا این خاطرات ارزشمند ، در تاریخ ثبت گردد.

## ۳- قلمرو و محدوده ی پژوهش

قلمرو این پژوهش در جنوب شرقی ایران ، در شمال بلوچستان و منطقه سرحد میباشد که شامل شهرهای زاهدان ، خاش ، نصرت آباد و میرجاوه می باشد و محدوده ی زمانی آن سالهای آغازین دوره ی پهلوی اول تا پایان پهلوی دوم ( ۱۳۵۷- ۱۳۲۰ ) را شامل می شود .

## ۴- مشکلات و محدودیتهای پژوهش

از مشکلات عمده ای که بر سر راه این پژوهش وجود داشته است ، گذشته از محدودیت زمانی ، صرف هزینه های زمانی و اقتصادی فراوان جهت انجام مصاحبه های شفاهی در مناطق مختلف سرحد از جمله نصرت آباد ، کورین و میرجاوه و منطقه تفتان و برای جمع آوری اسناد و کتب که عموماً تنها در مرکز اسناد و در تهران یافت شده و اغلب به سختی در اختیار دانشجوی قرار می گیرد ، دو بار سفر به تهران و مرکز اسناد آستان قدس رضوی در مشهد انجام شد که این مسئله به خودی خود مستلزم صرف هزینه های اقتصادی و زمانی بسیار بوده است. به صورت خاص ، این پژوهش با تاریخ شفاهی و به تبع آن



با افراد سر و کار داشته که عمده ی آنان به علت کهولت سن ، توان صحبت های طولانی مدت نداشته و اغلب دچار فراموشی بودند ، این مسئله تقدم و تأخیر تاریخها و نیاز به منابع موثق کتبی را هر چه بیشتر نموده و مصاحبه های بیشتر با فرزندان و وابستگان آنان جهت بررسی درستی روایات را می طلبید.

#### ۵- روش کار در پژوهش

روش بکار گرفته شده در این پژوهش ، روش تاریخی است ، روشی که در آن محقق با مشاهده غیر مستقیم و با تکیه بر اسناد و مدارک و منابع تاریخی به تجزیه و تحلیل واقعیات می پردازد ؛ از اینرو ابزار این پژوهش و روش بکار گرفته شده ، اسناد و مدارک تاریخی بوده ، که در دسترس قرار داشته است ، البته با توجه به تاریخ شفاهی و مصاحبه های انجام شده و مطالبی که هنوز در افواه و در بین معمدین و سالمندان وجود دارد از آنها نیز استفاده شده که پس از تطبیق با اسناد و منابع ، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و مورد استفاده واقع شده است .

#### ۶- طرح کار

جهت بررسی تأثیرات و وضعیت ایلات سرحد در دوره ی پهلوی ، این پژوهش به سه بخش تقسیم شده است .

بخش اول : این بخش شامل سه فصل بوده که در فصل اول به موقعیت جغرافیایی ، آب و هوا ، کوه ها و رودخانه های سرحد که تأثیر فراوانی در مشی زندگانی مردم منطقه داشته ، پرداخته شده است . فصل دوم ، شامل مطالبی درباره ی پراکندگی ایلات در سرحد و معرفی برخی ویژگی های آنان می باشد و در فصل سوم ، جهت کاملتر شدن شناخت مخاطب از مردم منطقه به بررسی نژاد ، مذهب ، زبان و پراکندگی جمعیت و نوع معیشت آنان پرداخته شده است .

بخش دوم : این بخش خود به سه فصل تقسیم شده ، که فصل اول آن به بررسی اجمالی تاریخ بلوچستان از ابتدا و تا پیش از دوره ی پهلوی می پردازد ، در فصل دوم ، تاریخچه ی مختصری از وضعیت ، نوع زندگی و معیشت ، اندیشه ها و دغدغه ها و برخی اقدامات مهم و تأثیر گذار سرداران و افراد مهم طوایف سرحد ، شامل : اسماعیل زهی ، شهنازی ، ریگی ، نارویی ، کرد ، گرگیج و گمشادزهی ، آمده است ، و از آنجا که مسئله اقتصاد ، اغلب باقی اتفاقات سیاسی ، اجتماعی و فرهنگی مناطق و مردم را مورد تأثیر قرار می دهد ، در فصل سوم به مقایسه اقتصاد مکران و سرحد پرداخته ، تا از رهگذر آن به برخی از سوالات ، درباره ی پاره ای مشکلات سرحد ، پاسخ داده شود.

بخش سوم: این بخش که مهمترین بخش، تحقیق و دغدغه اصلی این پژوهش بوده است شامل ۴ فصل می باشد، که با ترتیب موضوعی سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، هنری و امنیتی قرار گرفته اند. در فصل اول به صورت بندی سیاسی منطقه سرحد پرداخته شده و مباحثی همچون احزاب فعال در منطقه و گرایش های احتمالی مردم به آنها، نقش روحانیون بلوچ در منطقه و نقش افراد و گروههای موثر در منطقه سرحد و رابطه ی آنها با حکومت، وضعیت روشنفکران و رابطه ی آنها با حکومت و مردم و وضعیت خوانین، در این فصل به تفصیل، شرح و بسط داده شده اند، نقش اقوام در شکل گیری ساختارهای اجتماعی و هویت ملی در عصر پهلوی را مورد بررسی قرار داده و تأثیر و شکل ایجاد مدارس در منطقه و واکنش مردم به این مقوله، وضعیت و نقش زنان در منطقه سرحد، ایجاد رادیو بلوچی از عمده ترین مباحث فصل دوم، در این بخش می باشد.

از جمله موضوعاتی که کمتر در تحقیقات مشابه به آن پرداخته شده، گذشته از نقش و وضعیت زنان که در فصل قبل رفت، نقش اقوام در تقویت هنر سنتی، شعر سرحدی و موسیقی و صنایع دستی سرحد می باشد که در فصل سوم به آن پرداخته شده است.

در فصل چهارم این بخش، به بررسی موانع و مشکلات رشد و توسعه ی منطقه، بخصوص پدیده ی باغیگری و تا حدی تعصبات قومی و مذهبی، پرداخته شده است و آثار این مشکلات، بر وضعیت اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی مردم سرحد، مورد بررسی قرار گرفته است.

## ۷- معرفی چند منبع

### الف: سرگذشت بلوچستان و مرزهای آن

امان الله جهانبانی که از طرف دولت ایران به ریاست هیأت نمایندگی مرزی ایران جهت مشخص کردن مرزهای بلوچستان ایران با پاکستان تعیین شده بود شرح کارهایش را در کتابی تحت عنوان " سرگذشت بلوچستان و مرزهای آن " به چاپ رساند. جهانبانی در این کتاب کار مرزبندی را که همزمان با شورش دادشاه بود منوط به پایان یافتن شورش دادشاه می داند. بدین جهت وی از طرف دولت ایران مامور سرکوبی شورش دادشاه می شود و همانطور که خواهد آمد وی از طریق خوانین منطقه توانست این ماجرا را به پایان برساند. این کتاب اطلاعات خوبی در زمینه اوضاع جغرافیایی، اقتصادی، تجاری و صنعتی بلوچستان و همچنین طوایف ساکن در این منطقه به دست می دهد. فصل اول تا هفتم این

کتاب در خصوص تعیین خطوط مرزی و قرار داده‌ها و موافقت‌های مرزی ایران و پاکستان و فصل هشتم در زمینه تاریخچه بلوچستان و فصل نهم آن در زمینه اوضاع جغرافیایی، اقتصادی، صنعتی و تجاری بلوچستان می‌باشد.

#### **ب: حکایت بلوچ**

حکایت بلوچ شرح سفری است که مولف در بلوچستان داشته است و شامل چند کتاب می‌باشد که در این پژوهش کتابهای اول و دوم مورد استفاده قرار گرفته است، کتاب اول تحت عنوان حکایت بلوچ (سیری در احوال اهل بلوچستان، شهر، دیها، آبها، کرانه‌ها) می‌باشد. مولف اوضاع و احوال اهالی بلوچستان را از زبان راویان بلوچ به نگارش در آورده است، بدون آنکه دخل و تصرفی در مطالب نماید، یا صحت و سقم مطالب را مشخص نماید. عین اظهارات افراد را در کتابش آورده است. کتاب دوم، تحت عنوان حکایت بلوچ (کردها، انگلیسی‌ها، بلوچ‌ها) مولف اوضاع و احوال مردم ناحیه سرحد بلوچستان، بین سیستان و مکران شامل زاهدان، خاش، میرجاوه، لادیز، سنگان، گوهر کوه را از زبان معتمدین و ریش سفیدان بلوچ به رشته تحریر در آورده است. این دو کتاب با وجود اینکه دارای مطالب، ضد و نقیض می‌باشد ولی چون از زبان معتمدین و ریش سفیدان بلوچ که در حال حاضر در قید حیات نیستند نقل گردیده است. اطلاعات بسیار ذی‌قیمتی خصوصاً در زمینه جنگ‌های دوست محمد خان با دولت، طغیان جمعه خان اسماعیل زهی، خلع سلاح عشایر بدست میدهد، که حائز اهمیت می‌باشد.

#### **ج: سازمان سیاسی حکومت محلی بنت**

مولف این کتاب محمد برقی از محققان و پژوهشگران در امور بلوچستان است که در این کتاب تشکیلات حکومتی و نظام اداری و مالی حکومت محلی بنت را مورد بررسی قرار داده است. از آنجا که حکومت محلی بنت در سال ۱۳۳۴ ش با مرگ علی خان نقدی به پایان رسید، این کتاب حاوی اطلاعات ارزشمندی در زمینه تحولات سیاسی - اجتماعی بلوچستان تا اواسط دهه ۱۳۳۰ ش می‌باشد. همچنین این کتاب در زمینه اوضاع اقتصادی و اجتماعی منطقه نیز اطلاعاتی بدست می‌دهد.

#### **د: مهاجمان سرحد، رویارویی نظامی انگلستان با سرداران بلوچ ایرانی**

این کتاب خاطرات ژنرال دایر، فرمانده نظامی ارتش انگلستان در هند است که در سال ۱۹۱۶ م از سوی ستاد ارتش انگلستان در هند به منطقه سرحد بلوچستان ایران اعزام می‌شود تا سرداران بلوچ ایرانی را که همانند سایر سیاستمداران و رجال میهن دوست ایرانی در مرکز و سایر نقاط ایران به آلمان

پرایش پیدا کرده بودند به دوستی مجدد انگلستان تشویق کند و بدین وسیله مانع عبور ماموران سیاسی یا نظامی آلمان از سرحد بلوچستان ایران به سوی افغانستان شود، وی در منطقه سرحد بلوچستان ایران به مبارزه برای آرام کردن و به انقیاد در آوردن طوایف یار احمد زهی، گمشادزهی و اسماعیل زهی مشغول می شود، که شرح این برخورد نکات جالبی پیرامون اوضاع و احوال اجتماعی و سیاسی و نیز مواضع طوایف گوناگون بلوچ در سرحد بلوچستان ایران را روشن می کند. از خاطرات ژنرال دایر چنین بر می آید که در منطقه دور افتاده ای چون بلوچستان نیز روحیه انگلیسی ستیزی و احساس هم بستگی با آلمان وجود داشته است، آنچه از خاطرات او بر می آید پیروزی او بر سرداران طوایف بلوچ نه از طریق نظامی بلکه با ایجاد جنگ روانی همراه با نیرنگ و تبلیغات و استراتژی دقیق امکان پذیر شده است، وی خاطرات خود را با دیدگاه خاص نگاشته است که گاه از بلند پروازی و اغراق بدور نیست، با اینهمه خاطرات او نکات مهمی را در رابطه با شیوه زندگی اجتماعی و رابطه میان طوایف بلوچ با یکدیگر و مناطق همجوار و نیز عادات و رسوم اجتماعی و فرهنگی و سطح معیشت و قشربندی اجتماعی در منطقه سرحد بلوچستان آشکار می سازد.

این کتاب شامل یک مقدمه و دوازده فصل می باشد، که فصل اول تحت عنوان دستور اعزام به غرب، فصل دوم در راه رباط، فصل سوم نقشه عملیاتی، فصل چهارم نیرنگ و سلاح، فصل پنجم خاش و بلوف های بیشتر، فصل ششم تحت عنوانی انبانی پر از سیر، فصل نهم خیانت و عاقبت، فصل دهم شکست و نقشه های جدید، فصل یازدهم موفقیتی به مقیاس کوچکتر و فصل دوازدهم پیروزی و صلح می باشد.

## ه: منابع شفاهی

### ۱- نیک محمد الله بخش:

نیک محمد الله بخش معروف به شه بخش فرزند حاجی متولد ۱۳۰۶ در چشمه زیارت حدود ۳۵ کیلومتری غرب زاهدان به دنیا آمد. در سال ۱۳۲۶ اولین عکاسی را زاهدان به نام عکاسی الکتریکی زیبا، در چهارراه چکنم دایر نمود و اولین پروانه عکاسی در زاهدان از طرف شهرداری به نام وی صادر شد. در سال ۱۳۲۸ به خبرنگاران عکاس روزنامه اطلاعات پیوست و در همین سال که سیل، قسمت زیادی از

شهر زاهدان را منهدم کرد، موفق شد عکسهای جالبی از خسارات سیل تهیه و به روزنامه ارسال نماید. در همان سال سران طایفه شه بخش، سردار جمعه خان، سردار نظر محمود خان، ملا رحیم، کوهی خان و ملاداد محمد طی نامه ای به فرماندار کل اسد الله علم و سرتیپ معزی فرمانده تیپ زاهدان، وی را به عنوان نماینده خود معرفی کردند. از خدمات قابل توجه وی در این سالها ساختن سه مدرسه در شورو، کورین و چشمه زیارت بود. وی در همان دوران ۵ نفر را به دارالتربیه معرفی کرد که یکی از آنان تا سطح لیسانس به تحصیل ادامه داد.

رئیس محمد شه بخش خبر نگاری موفق و کنجکاو و از ذوق و شوق وافر برخوردار بود، با آنکه عکاسی را به صورت تجربی آموخته بود، در شکار لحظه ها تبحر داشت تا آنجا که در سال ۱۳۴۲ به خاطر عکاسی از جنگ دو سوسمار که بعدها، در کتاب "بلوچستان و مرزهای" آن اثر سپهبد امان الله جهانبانی چاپ شد، برنده بهترین عکس ایران گشت. در سفر پرفسور توزی، باستانشناس بزرگ ایتالیایی در شهر سوخته با وی مصاحبه ای انجام داد که در معرفی این اقدام مهم و شناسایی منطقه بی تاثیر نبود. در تحقیق حاضر از وی در باره مسائلی که در سالهای حکومت پهلوی از نزدیک شاهد آن بوده اند، مصاحبه ای انجام شد که در اکثر موارد، ایشان اطلاعاتشان را با ارائه اسنادی که در پژوهش آمده است در اختیار نگارنده قرار داده اند.

## ۲- حاج محمد مهدی گرگیج:

حاج مهدی گرگیج، فرزند سید نور در سال ۱۳۳۳ در زاهدان متولد شده است. وی در سال ۱۳۵۵ کارمند آموزش و پرورش، در سال ۱۳۶۰ ریس آموزش و پرورش بمپور و در سال ۱۳۶۴ به عنوان کارشناس مسئول آموزش ابتدایی استان سیستان و بلوچستان مشغول شده و تا سال ۱۳۸۲ که بازنشست شده اند در این پست خدمت کرده اند. عضویت در دوره اول شورای اسلامی شهر زاهدان، از دیگر فعالیتهای ایشان بوده است. وی در حال حاضر مدیر عامل مجتمع فرهنگی تفریحی لاله استان سیستان و بلوچستان (شهر بازی)، عضو ستاد دیه، عضو شورای حل اختلاف شهر زاهدان و مشاور فرهنگی کارخانجات نان قدس رضوی و پارس مینو و یکی از ریش سفیدان طایفه گرگیج و از معتمدین استان می باشند. در انجام این پژوهش و ارائه مطالب مربوط به طایفه گرگیج از هیچ کمکی دریغ نکردند.

### ۳- شریف خان اسماعیل زهی :

شریف خان اسماعیل زهی فرزند جیهل و برادر کوچک جمعه خان اسماعیل زهی در سال ۱۲۹۵ متولد شد. وی در جریان یاغیگری جمعه خان ، به همراه او به تهران تبعید شد ، صحب تهای وی حاوی نکاتی از دوران تبعید بود و در مورد علل یاغیگری جمعه خان ، به روشن شدن این امر کمک نمود ، نامبرده در بهمن ۱۳۸۹ درگذشت.

## فصل اول

### ۱-۱-۱- موقعیت جغرافیایی منطقه سرحد:

استان سیستان و بلوچستان در جنوب شرقی ایران واقع است، و بین دو عرض جغرافیایی ۲۵ و ۲۷ تا ۳۱ درجه ی شمالی و دو طول جغرافیایی ۵۸، ۵۰ و ۶۳، ۲۱ درجه گسترده شده است. در خصوص وسعت سرزمین بلوچستان که در استان سیستان و بلوچستان واقع است، ارقام متفاوت است. این منطقه را حدود ۱۷۳۴۷۸ کیلومتر مربع محاسبه نموده اند. در بلوچستان وسعت مناطق شهری و روستایی در مقایسه با وسعت مناطق کوهستانی و کویری لم یزرع بسیار اندک و حتی ناچیز است. (نیکبختی، ۱۳۷۴، ص ۱۵) در مقایسه مساحت بلوچستان با کل کشور یک نهم مساحت کشور است، شهرستان خاش بلندترین نقطه بلوچستان از سطح دریا ۱۴۰۰ متر ارتفاع دارد و پست ترین منطقه ی آن کناره های دریای عمان است. استان سیستان و بلوچستان با دو کشور پاکستان و افغانستان ۱۱۸۰ کیلومتر مرز زمینی دارد. کوه ملک سیاه کوه، نقطه ی مشترک ایران و این دو کشور است. (نیکبختی، ص ۱۶) همین همجواری با مرزهای چندگانه به لحاظ سیاسی بر اهمیت منطقه بلوچستان می افزاید و به لحاظ اجتماعی نیز تأثیر گوناگونی بر زندگی و آداب و رسوم مردم گذاشته است. (نیکبختی، ص ۱۷)

بلوچستان به دو ناحیه جنوبی و شمالی تقسیم می شود، ناحیه ی جنوبی آن مشتمل بر شهرهای چابهار، کنارک، ایرانشهر، سراوان و نیکشهر می باشد و به آن نام مکران اطلاق می شود. اما ناحیه شمالی که منظور این تحقیق می باشد، مشتمل بر شهرهای زاهدان، خاش، میرجاوه و نصرت آباد است که به نام سرحد شناخته می شود. جهانبانی سرحد را به مفهوم حد بین گرمسیر و سردسیر معنی می کند که از گذار موسوم به کارواندر الی زاهدان ادامه داشته و نواحی اطراف کوه تفتان و بزمان را شامل شده و دارای هوایی معتدل بوده و از ناسازگاری ها و گرمای طاقت فرسای جنوب مبر ی است. (جهانبانی، ۱۳۳۸، ص ۱۲۰) سرحد از بخش های چهارگانه جغرافیایی بلوچستان ایران است که در شمال آن واقع گردیده، این منطقه دارای کوههای بلند بوده و آتشفشان تفتان در مرکز سرحد خودنمایی می کند. (ریگی درخشان، ۱۳۸۷، ص ۳۵)

همچنین ماپرلی به نقل از لرد کرزن گفته است، منطقه ی کوهستانی و مرتفع سرحد که در شمال جلگه ی بلوچستان قرار دارد و با آتشفشان نیمه فعال تفتان شناخته می شود، در حقیقت، این منطقه را امتداد رشته های بلند ارتفاعات جنوبی خراسان می داند که همیشه به عنوان منطقه ای دورافتاده و غیرقابل نفوذ شناخته می شده است و همواره مورد توجه کاشفان اروپایی قرار داشته است. (ماپرلی، ۱۳۶۹، ص

۳۱۸) مابری سرحد را از یک سو واقع در بین مرز ایران و بریتانیا (هندوستان تحت استعمار) و از سوی دیگر نرماشیر و بم می داند که منطقه ای خشک و کم یزرع و ماسه ای با تعدادی دریاچه آب شور و ذخایر اندک آب شیرین است که بسیاری از کوههای آن از ارتفاع چشمگیری برخوردار هستند. (مابری ص ۳۱۸) ذبیح الله ناصح سرحد را تغییر یافته «سَرْدُحَد» ، یعنی از یک سو به منطقه سرد و از سوی دیگر متصل به منطقه گرم می داند. (ناصر، ۱۳۴۵، ص ۱۰۷) بومیان محلی سرحد را به معنی مرز می دانند که همواره آن را همراه با نام سیستان به کار می برند، حتی در اشعار و ترانه های فولکلور و محلی بلوچی همواره سرحد و سیستان، با هم می آیند، ضمن آنکه ارتباط خویشاوندی نزدیکی بین طوایف بلوچ دو ناحیه وجود دارد.

یکی از دلایل وابستگی بین سرحد و سیستان را تأمین مایحتاج محلی یعنی غلات مورد نیاز اهالی سرحد از سیستان ذکر می کنند. سرحد فلات مرتفعی است که بدون حد و حدود ثابتی در شمال به کوهستان در جنوب به هودیان (houdiyan) منتهی می شود و مرزهای آن در شرق و غرب، بیابانهای همواری را تشکیل می دهند. (گابریل ، ۱۳۷۱ ، ص ۳۴۴) ناحیه کوهستانی و مرتفع سرحد با دره های عمیق و وسیع که توسط ارتفاعات به چهار تا پنج هزار پا از سطح دریا می رسد و دارای شیب ملایم و یکنواختی بوده که به تدریج در دامنه ی جنوبی کاهش می یابد. (ریگی درخشان، ص ۲۸) گذشته از تفتان، سایر مناطق سرحد، خشک و کم یزرع بوده که دلیل آن بی آبی شدید منطقه است، این کمبود آب باعث بوجود آمدن دشت ها و دره های خالی از درخت و سبزه در سرحد گردیده که متعاقباً در چنین خاک بیهوتی همواره گردوغبار محلی آزاردهنده ای شکل می گیرد و مشکلات عدیده ای را برای ساکنان سرحد بوجود می آورد. (رزم آرا؛ ص ۲۴) شرایط نامساعد آب و هوایی باعث عدم رشد کشاورزی در منطقه گردیده است، ضمن اینکه توان و انرژی ساکنان سرحد، بسوی غارت و چپاول هدایت شده و این راه تأمین زندگی به مرور زمان بصورت یک رسم مهم در میان قبایل بلوچ درآمد است.

حدود و مرزهای سرحد هیچ وقت دقیقاً مشخص نبوده است و این نوسان مرزها بستگی به قدرت نفوذ محلی در دوره های مختلف داشته است. مرزهای سرحد گاهی به چاله جازموریان از یک سو و از سوی دیگر به هامون ماشکید و سراوان می رسیده است. اگر این جهت شرقی - غربی در نظر گرفته شود، جهت شمال - جنوب آن، از سویی به نیمروز و هلمند و از سوی دیگر به چاغی (chaghi) و خاران می رسیده است. این منطقه به ظاهر دورافتاده از شهر و شهرنشینی به دلیل شرایط ژئوپولیتیکی، مورد توجه استعمارگران انگلیسی قرار داشته است و به دلیل ارتفاعات زیادی چون تفتان و بزمان، همواره



پناهگاه افرادی بوده است که از سایر نقاط بلوچستان به دلایل مختلفی مجبور به فرار می شده اند . اکثر طوایف منطقه در بیان چگونگی ورود اجداد خویش به سرحد داستان هایی از گویز، فرار و پناه آوردن به کوههای بلند و قبایل مهماندوست آن ، ذکر می کنند.

لرد کرزن نام سرحد را متناسب با کانون یاغی های بلوچ و قبایل جنگجوی آن می داند که از کلات، افغانستان و سیستان به آن پناه آورده اند . (مابری، ص ۳۱۸) زندگی مردم منطقه همواره به صورت مخفی در کنار چاه های آبی بوده که تنها خودشان از مکان آنها اطلاع داشته اند، ناگفته پیداست که اهالی، سعی می کردند خود را از دید کاوشگران مخفی نگه دارند و این خود دلیلی بر گریز همیشگی از دست دشمنان یا کساری بوده که آنها را مورد تعقیب قرار می داده اند ، به هر حال پناهگاه نهایی این فرارتن کوهستانهای سرحد بوده است. (گابریل، ص ۳۴۵) البته در این ماجرا به نقل از خود گابریل، گریز کار معمولی و همیشگی مردان بوده و زنان در صحنه پاسخگو به میهمانان، چه ره گذر و چه کاوشگر و سیاح بوده اند، به نظر می رسد این مسئله ناشی از مهمان رهازی و احترام به مهمان بوده است .

#### ۱-۱-۲- رودهای سرحد:

اکثر رودخانه ها فصلی بوده که تنها در فصول بارانی مدتی بر سطح زمین جریان یافته و سپس ناپدید می گردند. مهمترین رودخانه قابل ذکر، رودخانه معروف لادیز یا میرجاوه است که از کوه تفتان سرچشمه می گیرد. آبریز شمالی کوه تفتان از دره ی لادیز جنوبی و از طریق درّه خاش روان است و به دلیل وجود همین منابع آب ، دو نقطه ی سرسبز و خوش آب و هوا در دو طرف تفتان به وجود آورده است که مهمترین مراکز جمعیتی سرحد را بوجود آورده اند. (مابری، ص ۲۰) سیلابها یا رودخانه های موقتی که هنگام ریزش باران از کوه تفتان جاری می شود و چند ماه آب دارد عبارتند از:

۱-رود ماهی: از دره های شمالی تفتان آغاز و با عبور از کهورک به طرف شوره گز می رود و دو آبادی معروف گرگ (gorg) و حیدرآباد را مشروب می سازد.

۲-سیلاب های دامنه غربی تفتان که از تنگه معروف گلمزار به طرف شوره گز جریان می یابد، همچنین از کوههای بزمان و سیاه بند که در مغرب خاش قرار دارند . سیلابهایی به نام (شوراب) و بگ (bog) به سیلابهای مذکور می پیوندند.

۳-سیلابهای جنوب غربی تفتان که از دره ی کوشه سرا زیر می شود، از آبادی های دجنگ (dajeng) و سوتن (sutan) و از کنارسیاه رسگک (resgak) عبور کرده و به چاه غیبی می ریزد.

۴- سیلابهای جنوب و جنوب شرقی با نام های کوشه یا مهران و ترشاب که از جلگه ی خاش و پشتکوه گذشته به شمال تغییر مسیر می دهد و در جلگه موسوم به گزو (gazo) با سیلابهای موسوم به گرانچن (granchen) و مورپیش (morpish) و سنگان (sangan) یکی شده در ناحیه شمالی (ریگ ملک) به رودخانه میرجاوه می ریزد.

۵- سیلابهای ش مال و شمال شرقی موسوم به پدگی (padagi)، لارمبا (laromba) و گژکاوش (gazhkavesh) تمین (tamin) و آنجرک (anjerk)، پس از عبور از قریه لادیز به میرجاوه می ریزد. (ناصح ، ۱۳۴۵ ، صص ۱۴۹-۱۴۷) جهانبانی اراضی لادیز را فوق العاده حاصلخیز و مستعد کشاورزی می داند، اما مردم آنجا را نسبت به کشت و زرع بی علاقه اعلام می کند که بیشتر به چادرنشینی و دامداری زندگی را سر می کنند که تنها پس از توجه دولت مرکزی از سال ۱۳۰۴ زراعت گندم و جو در لادیز معمول گردیده است. (جهانبانی، ۱۳۳۸، ص ۱۰) رودخانه ماشکل (ماشکید) که دارای ۱۲۰ کیلومتر خط مرزی مشترک با بلوچستان انگلیس (پاکستان) است و رودخانه تلخ اب که در زبان بلوچی (تهلاب) نامیده می شود، از کوههای جنوب شرقی زاهدان سرچشمه می گیرد و پس از پیوستن به رودخانه لادیز با گذر از مرز در مجاورت بلوچستان انگلیس نیز تهلاب نامیده می شود که ۹۳ کیلومتر با بلوچستان انگلیس مرز مشترک دارد. (جعفری، ۱۳۶۲، ص ۲)

### ۱-۱-۳- کوه های سرحد

« رشته کوه های جنوبی ، مرکزی و شرقی ایران در بلوچستان به هم نزدیک شده و یک منطقه کوهستانی که شامل یکسری کوه های موازی است ایجاد می کنند ، اما این ارتفاعات در همه جا پیوسته نیستند بلکه حفره ها و حوضچه های پست داخلی این ارتفاعات و کوه ها را از همدیگر جدا می کند » رشته ارتفاعات کرمان که همان امتداد کوه بارز می باشند به طرف ایران شهر و کوهک و مرکز مکران ادامه یافته و به اسم کوه بم پشت مرکز مکران را شیار داده و به طرف پنجگور امتداد می یابند و رشته ارتفاعات مکران که باز همان امتداد را طی کرده پس از طی کلیه مناطق جنوبی به طرف تربت (کیچ) و سند ادامه می یابد ، رشته دیگری از نهبندان شرو ع شده در جهت شمالی ، جنوبی ادامه یافته و پس از گذاشتن سیستان در جناح راست خود به سمت خاوری زاهدان متوجه شده و سپس دهلیز سراوان را ایجاد کرده و به اسم کوه سیاهان و کوهک با رشته های قبلی موازی می گردد «(رزم آرا، ۱۳۲۰، ص ۲۵) مهمترین کوه های بلوچستان تفتان ، نیمان ، شهسواران ،

رشته کوه های مودیچ بیوک ، پیرشوران ، ملک سیاه کوه ، بم پشت ، کوه سفید ، کوه  
آهوران ، کوه خاکی ، کوه پوساق ، کوه بکرند ، و رشته کوه های زیاد دیگری که ارتفاع  
آنها از ۲۸۶۳ متر تجاوز نمی کند در سطح منطقه دیده می شوند . ( ناصح ، ص ۱۶ ) رشته  
کوه تفتان در بین ۲۸ درجه و ۳۰ دقیقه تا ۲۸ درجه و ۵ دقیقه عرض شمالی و ۶۰ درجه و  
۵۰ دقیقه تا ۶۱ درجه و ۱۵ دقیقه طول شرقی از نصف النهار گرینویچ قرار دارد . ( معرفت ،  
۱۳۵۲ ، ص ۳۱۱ ) بلوچهای بومی و ساکنان دامنه های تفتان به آن چهل تن چهل محراب  
، می گویند که در گذشته مهم ترین مکان زیارتی سرحد به حساب می آمده است .  
سکنه ی منطقه عموماً چادر نشین و سیارند که به اقتضای فصول ، برای چریدن احشام و اغنام  
خود به علفزارها نقل مکان می نمایند. فقط معدودی از آنها در بعضی نقاط که دارای آب جاری و علوفه  
است به صورت ثابتی سکنی دارند. (جهانبانی، ص ۱۰) قبایل، با تشکیلات متمرکز خویش به صورتی  
سازمان یافته و کاملاً منسجم به واحدهای آماده نظامی برای اجرای فرامین رهبران قومی خویش ، که در  
گذشته «میر» و بعدها «سردار» نامیده می شدند همواره، آماده بوده اند. با توجه به اهمیت تاریخی نظام  
غارث، برای عشایر بلوچ، در مواقع ضروری، آنان در کوتاهترین زمان ممکن با جمع نمودن سیاه چادرهای  
موبین خویش، خانواده ها و وسایل زندگی خود را به مناطق امنی در ارتفاعات غیرقابل نفوذ سرحد  
منتقل می کردند و سپس با بر گرفتن سلاح، برای امور نظامی نظیر دفاع از قلمرو و یا غارت و چپ اول  
نقاط همجوار و یا کاروانهای در حال عبور به مقصد هندوستان، سیستان و یا خراسان وارد عمل می  
شدند. (ریگی درخشان، ص ۳۱)

## فصل دوم

### ۱-۲-۱- پراکندگی ایلات در سرحد:

ایلات و طوایف مختلفی که اکثریت قریب به اتفاق جمعیت منطقه ی سرحد را تشکیل می دهند، سالهاست، ساکن شهره‌ای زاهدان، خاش، میرجاوه و نصرت آباد می باشند. که به بررسی طوایف مختلف در نواحی مورد نظر پرداخته می شود.

### ۱-۲-۲- خاش

در عصر خسروانوشیروان (۵۳۱ تا ۵۷۹ م.) ایران به چهار کسک (استان) تقسیم شده بود که نیمروز یکی از آن چهار کسک بود و از نوزده شهرستانی که در کسک نیمروز دیده می شدند مکوران، واشت، اسپیت، توران، به بلوچستان تعلق داشتند. واشت را کولبی‌نکف، با خاش کنونی (در زبان بلوچی و اش به معنای شیرین) در بلوچستان ی‌کسان دانسته است. (مقدسی، ۱۳۶۱، ص ۴۷۱) استخری در مسالک و ممالک، خاش را چنین توصیف می کند: «خواش حد آخر کرمان است، گویند از عمل سیستان است اما خاشی ها قومی صحرائشین باشند و اشتر دارند و درخت خرما دارند و خانه هایشان از نی باشد و از آنجا پانیزد خیزد و به سیستان برند و داد و ستد به درم باشد.» (استخری، ۱۳۴۷، ص ۱۴۰) در کتاب حدودالعالم (۳۷۳ هـ. ق) خاش چنین توصیف شده است: «خاش شهری است و او را آبهای روان است و کاریزها، و جایی بلنعمت است.» (ستوده، ۱۳۶۴، ص ۱۰۳) در کتاب مرآت البلدان در ذکر آبادی های سرحد از خاش، سنگان (سنکویه) تمین، کوشه، نازیل، ده پایید (ده پامیل)، ده بالا و گزو (کزویه) نام برده می شود اعقادالسلطنه این چنین ادامه می دهد: «خاش قلعه ای غیرمسکون دارد، آب آن از قنوات است نه رشته قنات آب و نه رشته [قنات] خراب دارد و قناتهای خراب آن به مخارج جزئی و سهولت معمور می شود چون اهالی آنجا مال دارند به تنقته قنات و زراعت و فلاحت نمی پردازند و اعتنایی ندارند.» (اعتمادالسلطنه، ۱۳۵۶، ص ۴۳۹) منصور سجادی نام خاش را از نامهای بسیار کهن ایرانی می داند که در اصل، (خاشهرا) یا یکی از رودخانه های نام برده شده در (یشت) نوزدهم است که بعدها به نام خاش رود، نامیده شده است. (سیدسجادی، ۱۳۶۴، ص ۶۷) در زبان بلوچی و خ صوصاً لهجه ی سرحدی خاش به صورت واش یا هواش که واو آن مفتوح می باشد، تلفظ می گردد که به معنای شیرین است. قبایل خاش در تمامی بلوچستان به جنگجویی و شجاعت معروف هستند و بر خلاف سایر مناطق بلوچستان به دلیل خوش آب و هوایی آنجا و خصوصاً کوهپایه های تفتان اهالی آن دارای پوست روشن و زیبایی خاصی هستند که در اشعار بلوچی همواره به زیبارویان خاش و تفتان اشاره می گردد. (ریگی درخشان،